

DOR:20.1001.1.26455714.1401.6.1.1.8

Stylistics of "فی هدی" and "فی ضلال" in the Quran (With emphasis on the intellectual level)

(Received: 2022-02-11 Accepted: 2022-09-18)

Reza amani¹

Abstract

One of the most fundamental concepts in the Holy Quran is the subject of guidance and misguidance. Among the stylistic features of this group of verses is the association of the letter "Ala" with the concept of guidance (Ala Hodan) and the letter "fi" with the concept of misguidance (fi dhala-len). The intellectual level of the use of these letters with the mentioned concepts sheds light on a part of the expressive miracle of the guiding verses of the Holy Quran.

Analysis of the meanings of the letters Ala and Fi along with their compatibility with the concepts of guidance and misguidance in the Qur'an shows that the Qur'an considers the wise believers as those who ride on a horse and move in a path, governing their living conditions and destiny. So that these people will advance in the path of guidance with power and dominance and will eventually reach their destination. In the face of the polytheists and infidels, they will be immersed in worldly life and immersed in darkness and the toy of Satan and worldly life, and they will fail in the end. People who are "guided" (Ala Hodan) have a "source of internal control". They are responsible for their actions and lives, are less affected by the opinions of others and external stimuli, perform better in their jobs and responsibilities, and tend to maintain their mental and physical health. Unlike misguided people who have an "external source of control", they see external factors as involved in their success or failure and are less inclined to take responsibility.

Keywords: Quran stylistics, guidance and misguidance, transcendence, capacity, letter جری, letter جری

1) Associate Professor of Arabic Language and Literature, University of Holy Quran Sciences and Education
. Email amani@quran.ac.ir



مقاله علمی - پژوهشی، صص ۳۳-۵۲

DOR: 20.1001.1.26455714.1401.6.1.1.8

سبک‌شناسی «علی‌هدی» و «فی ضلال» در قرآن (با تأکید بر لایه فکری)

(تاریخ دریافت: ۲۲-۱۱-۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۲۷-۰۶-۱۴۰۱)

رضا امانی^۱

مجله مطالعات اسلامی و قرآنی کریم

سال ششم

شماره اول

پیاپی: ۱۰

بهار و تابستان

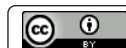
۱۴۰۱

چکیده

یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم وارده در قرآن کریم موضوع هدایت و ضلالت است. از جمله ویژگی‌های سبک‌شناختی این دسته از آیات هم‌نشینی حرف «علی» با مفهوم هدایت (علی‌هدی) و حرف «فی» با مفهوم ضلالت (فی ضلال) است که در پژوهش حاضر تلاش شده با روش توصیفی-تحلیلی لایه فکری این نوع تعابیر مورد بررسی قرار گیرد. از رهگذر این پژوهش می‌توان ضمن تحلیل بعد لفظی و بیانی دسته‌ای از آیات قرآن، به عمق بیشتری از فهم و تفسیر قرآن رسید. تحلیل دلالت‌های حروف علی و فی، در کنار هم‌آیی آن‌ها با مفاهیم هدایت و ضلالت در قرآن نشانگر آن است که قرآن حکیم انسان‌های مؤمن را بسان کسی که سوار بر مرکب و در مسیری حرکت می‌کند، حاکم بر سرنوشت خویش می‌داند، بطوری که این افراد در مسیر هدایت به پیش می‌روند و در نهایت به سرمنزله مقصود خواهند رسید. در مقابل مشرکان و کافران غرق در زندگی دنیوی و غوطه‌ور در تاریکی‌ها و بازیچه شیطان و حیات دنیوی شده و در پایان ناکام خواهند ماند. نیز افرادی که به تعبیر قرآنی «بر هدایت‌اند» از «منبع کنترل درونی» برخوردارند. اینان در قبال اقدامات و زندگی خود مسئولیت پذیرند، در مقابل نظرات دیگران و محرک‌های بیرونی کمتر تأثیر می‌پذیرند، عملکرد بهتری در مشاغل و مسئولیت‌های خود دارند و تمایل به حفظ سلامت روانی و جسمانی خود دارند. برعکس افراد گمراه که دارای «منبع کنترل بیرونی» هستند، عوامل بیرونی را در موفقیت یا شکست خود دخیل می‌دانند و تمایل کمتری به مسئولیت‌پذیری دارند.

واژگان کلیدی: سبک‌شناسی قرآن، هدایت و ضلالت، استعلاء، ظرفیت، حرف جرّ علی، حرف جرّ فی

(۱) دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی تهران)، تهران، ایران ایمیل: amani@quran.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

۱. مقدمه

قرآن کریم متنی است دو بُعدی؛ یکی بُعد لفظی و ظاهری، و دیگری بُعد معنایی و باطنی. از نظر ظاهری و لفظی شاهد کاربست الگوها و ساختارهای ادبی در قرآن هستیم و به لحاظ محتوایی و درون‌مایه نیز قرآنی متنی است دینی. لذا در مجموع قرآن کریم متنی است ادبی-دینی. نکته حائز اهمیت وجود پیوندی عمیق و ناگسستنی میان این دو بعد متن قرآنی است. به گونه‌ای که بررسی و مطالعه صحیح، دقیق و کامل متن قرآن با هدف دستیابی به معانی و مقاصد آن در گرو توجه به هر دو جنبه لفظی و معنایی آن است. موضوعی که در سنت قرآن‌پژوهان مسلمان پیشینه‌ای به درازی تاریخ تفسیر قرآن دارد. امروزه نیز با پیشرفت و گسترش مطالعات و نظریه‌های ادبی و زبان‌شناختی در جهان، شاهد انجام پژوهش‌های قابل توجه در حوزه زبان و ادبیات قرآن کریم می‌باشیم که به عنای میراث قرآن‌پژوهی می‌افزاید. هر چند که قرآن کریم به تعبیر حضرت علی (ع) در نهج البلاغه «دریایی است که به قعر آن نتوان رسید». (الشریف الرضی، ۱۴۳۱: ۳۱۵، خطبه ۱۹۸) لذا این باب و مسیر همچنان به روی علاقمندان به کلام و وحی و قرآن‌پژوهان باز است، تا هر کس به قدر توان علمی و ظرفیت وجودی و روحی خویش بهره‌ای از آگاهی‌های ناب و روشنایی‌های قرآن ببرد و دیگران را نیز در دریافت‌های علمی و تجربه‌های معنوی خود شریک و هم سفره نماید.

بر همین اساس در پژوهش حاضر تلاش شده است پرده از یکی از اسرار بیانی در آیات قرآنی کنار زده شود و به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که چرا در آیات قرآن و در بیان مفاهیم هدایت و ضلالت از حروف جرّ «علی» و «فی» استفاده شده است؟ چنانچه در آیه ۲۴ سوره مبارکه سبأ می‌خوانیم: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ علت همنشینی مفاهیم هدایت و ضلالت با حروف علی و فی چیست و چه تصاویر و مفاهیمی از این ویژگی سبک‌شناختی قرآن قابل دریافت است؟ اهمیت و ضرورت طرح و عرضه چنین پرسش‌هایی به ساحت قرآن کریم در آن است که ضمن رمزگشایی از بعد لفظی و ادبی آیات قرآنی، ما را به عنوان مخاطبان آیات الهی وارد ابعاد و اعماق تازه‌ای از مفاهیم و محتوای قرآن می‌کند و در نهایت بر تأثیرگذاری قرآن بر مخاطبان می‌افزاید، به‌طوری‌که خواننده را از ساحت قرائت وارد ساحت تدبر در آیات وحی نموده و او را به ساحت عمل به آموزه‌های قرآنی یک گام نزدیک‌تر می‌سازد. بنابراین در پژوهش حاضر علت و نتایج کاربست حروف «علی» و «فی» در بیان مفاهیم «هدایت» و «ضلالت»، به عنوان یک ویژگی سبک‌شناختی برای آیات قرآنی، مورد واکاوی و مطالعه قرار خواهد گرفت.

۱.۱. پیشینه تحقیق

در خصوص سبک‌شناسی و بیان معانی حروف جر در زبان عربی به طور کل و در قرآن کریم به طور خاص، مطالعات و پژوهش‌های بسیاری صورت پذیرفته است که در ذیل تنها به مواردی که به مسأله تحقیق حاضر نزدیک‌تر است، اشاره می‌شود:

- مقاله «بررسی شبکه معنایی حرف "فی" و اهمیت آن در ترجمه قرآن از منظر معنی‌شناسی معنی‌شناختی» نوشته محمود ایمانی و مجتبی منشی‌زاده، مجله مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.

پژوهش مذکور به بررسی معانی حرف جر «فی» در قرآن، در چارچوب معنی‌شناسی شناختی پرداخته است. در این پژوهش تمام کاربردهای حرف «فی» در قرآن استخراج گردیده و معانی آن‌ها با توجه به ترجمه‌های موجود و تفاسیر المیزان و مجمع البیان بررسی شده است. در پایان نیز شبکه معنایی حرف «فی» در آیات قرآن ترسیم شده است.

- مقاله «شبکه معنایی "علی" در گفتمان قرآن بر مبنای نظریه پیش نمونه» نوشته کبری راستگو، مجله جستارهای زبانی، شماره ۳۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۷.

در این مقاله نگارنده سعی داشته تا با کاربست نظریه پیش گفته (پیش نمونه) معانی گوناگون حرف «علی» را در گفتمان قرآنی تبیین و جهان بینی حاکم بر آن‌ها را استخراج نماید. ضمن آنکه دیدگاه نیابت و جایگزینی حرف «علی» از برخی حروف همچون «من»، «فی»، «باء» و «لام» در گفتمان قرآن به چالش کشیده شده است.

- مقاله «بررسی شبکه معنایی حرف "علی" در قرآن با رویکرد شناختی» نوشته مریم توکل‌نیا و ولی‌اله حسومی، مجله آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.

در این پژوهش نیز بر اساس اصول معنی‌شناسی شناختی، ابتدا معنای اصلی حرف «علی» شناسایی شده، سپس کیفیت بسط این معنای پیش نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. اینکه چگونه این حرف با معنای مرکزی خود از طریق استعاره و طرح‌واره، وارد حوزه‌های مفهومی تازه‌ای شده و شبکه‌ای از معانی مختلف را ایجاد کرده است.

- مقاله «واکاوای نظریه‌ها در ماهیت و کارکرد حروف جرّ در زبان قرآن» نوشته صادق عباسی، سعید نجفی اسداللهی، علی حاجی‌خانی و کاووس روحی برندق، نشریه جستارهای زبانی، شماره ۳، مرداد و شهریور ۱۳۹۹.

محققان در این پژوهش با بررسی تعاریف گوناگون حروف جر، درصدد یافتن تعریفی دقیق برای این حروف بوده‌اند تا با وضع طبیعی و اولیه آن‌ها در کاربرد عرب، به ویژه کارکرد آن‌ها در قرآن منطبق باشد تا با بهره‌گیری از آن به عنوان یک شاخص علمی بتوان، آراء نحویان را در ماهیت، تعداد، تقسیمات و معانی حروف جر، ارزیابی کرد.

- پایان‌نامه «حروف جر در قرآن کریم با رویکرد نحوی-بلاغی» دانشجو: بهنوش اصغری،

سال ششم
شماره اول
پیاپی: ۱۰
بهار و تابستان
۱۴۰۱

استاد راهنما: محمد فاضلی، دکتری تخصصی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۸.

در این رساله پس از ذکر آراء دانشمندان نحو و بلاغت در خصوص حروف جر در قرآن تلاش شده است معانی اصلی و مجازی این حروف مورد واکاوی و تصحیح انتقادی مجدد قرار گیرد. همچنین موضوع متعلق حروف جر و تعیین آن‌ها، همچنین جایگزینی حروف جر به جای یکدیگر نیز در این رساله مورد بررسی قرار گرفته است.

- پایان‌نامه «بررسی جایگاه معانی حروف جرّ در ترجمه» دانشجو: مرضیه حجتی، استاد راهنما: رحمت پورمحمد، کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان، ۱۳۸۹.

در این پایان‌نامه نگارنده به قواعد نحوی مربوط به حروف جر و موضوع تعیین متعلق آن‌ها پرداخته و تلاش نموده است ضمن معرفی این حروف و کاربرد هر یک از آن‌ها در متون مختلف، به مسائل مربوط به ترجمه آن‌ها نیز بپردازد.

- پایان‌نامه «هم‌معنایی و چندمعنایی حروف جرّ در قرآن کریم» دانشجو: اکرم نورمحمدی، استاد راهنما: علی نوروژی، کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۲.

نگارنده پایان‌نامه فوق نیز به مسأله هم‌معنایی و چندمعنایی حروف جر در قرآن کریم پرداخته است. جایگزینی حروف جر به جای یکدیگر، ترادف، اشتراک لفظی و معانی حروف جر مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این تحقیق است.

چنانچه در معرفی پژوهش‌های مذکور ملاحظه می‌شود که جنبه‌های مختلفی از معانی و مسائل حروف جر مورد بررسی قرار گرفته است. در تحقیق حاضر نیز تلاش شده از جنبه‌ای متفاوت موضوع مورد واکاوی قرار گیرد و به بررسی سبک‌شناختی باهم‌آیی و هم‌نشینی حروف «علی» و «فی» با مفاهیم «هدایت» و «ضلال» و ابعاد معناشناختی آن پرداخته شود. ضمن آنکه در مقاله حاضر سعی بر آن است با گذر از لایه‌های زبانی (لغوی) و ادبی (بلاغی) بر لایه فکری و محتوایی این تعبیر قرآنی تأکید بیشتری شود، چرا که الفاظ پل رسیدن به معانی و حلقه وصل میان گوینده و شنونده‌اند و در این میان آنچه اصالت و موضوعیت دارد در حقیقت معنا است و انتخاب واژگان، سبک و نوع تعابیر در یک متن همگی بسته به مقصود و مراد گوینده یا نویسنده یک متن است.

۲. سبک‌شناسی لایه‌ای

اصطلاح «سبک‌شناسی» مبتنی بر واژه «سبک» است. سبک مصدر فعل «سَبَكَ يَسْبِكُ» و «يَسْبِكُ» است و در اصل معنایی خود بر «نهایت ذوب کردن یک شیء» (ابن فارس، ۲۰۰۱: ماده «سبک») دلالت دارد به معنای «گداختن و قالب‌گیری کردن طلا و نقره» یا «اصلاح و نیکوساختن سخن» است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ماده «سبک») در اصطلاح ادبی نیز «سبک» یا

«اسلوب»^۱ به معنای «روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر» (بهار، ۱۳۵۶: ۱/ مقدمه) است. به تعبیر عبدالحسین زرین کوب «سبک عبارت است از شیوه خاص در نزد هر گوینده و تعبیر صادقانه‌ای است از طرز فکر و مزاج او». (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۱۶۱) بنابراین در مطالعه سبک یک اثر ادبی که به اصطلاح به آن سبک‌شناسی می‌گوییم اندیشه و افکار گوینده یا نویسنده از خلال شیوه بیان و نحوه کاربست امکانات زبانی و فنون ادبی همچون جنبه‌های آوایی، واژگانی، دستوری و بلاغی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

در دهه‌های اخیر مطالعات سبک‌شناسی در غرب گسترش و پیشرفت چشمگیری داشته و امروزه رویکردها و روش‌های مختلفی در سبک‌شناسی شکل گرفته و مورد بررسی و استفاده پژوهشگران حوزه زبان و ادبیات قرار می‌گیرد. یکی از روش‌های سبک-شناختی در مطالعه و تحلیل متون «سبک‌شناسی لایه‌ای» است. با این توضیح که زبان توده‌ای از آواها و نشانه‌های بی‌نظم نیست، بلکه شبکه‌ای نظام‌مند و منسجم است که از سطوح و لایه‌های به هم وابسته و به هم تنیده‌ای تشکیل شده است. (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۳۷)

بر این اساس می‌توان برای متون مختلف سه لایه یا سطح زبانی، ادبی و فکری در نظر گرفت. لایه زبانی شامل آواشناسی (موسیقی درونی و بیرونی، انواع سجع و جناس، انواع تکرار و سایر مسائل مربوط به آوا و تلفظ واژگان)، لغوی (بررسی واژگان اصیل و دخیل، کهنه‌گرایی در متن، سره‌نویسی، اسامی بسیط یا مرکب، اسم معنی یا ذات، حروف اضافه، نوع گزینش واژگان با توجه به محور جانشینی و محور هم‌نشینی، ترکیب‌های وصفی و اضافی و...) و نحوی (ناظر بر سبک‌شناسی جمله و بررسی مواردی همچون کوتاهی یا بلندی جملات، انواع کلام خبری و انشائی و...) است. در لایه ادبی یا بلاغی نیز مسائل مربوط به علم معانی، علم بیان و علم بدیع (معنوی) مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد و نهایتاً در لایه یا سطح فکری افکار و اندیشه‌های خالق اثر مورد کنکاش و بررسی قرار می‌گیرد (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۱۳-۲۲۴) و اینکه چگونه نویسنده یا گوینده از رهگذر لایه‌های زبانی و ادبی، افکار و اندیشه‌های خود را سامان می‌بخشد و سعی در انتقال آن‌ها به مخاطبان خود دارد. بنابراین امروزه در سبک‌شناسی بررسی صوری و مختصات شکلی متون صرفاً مورد نظر و مطلوب نیست. بلکه مهم‌تر از آن تعیین مشخصات و ویژگی‌های زبانی و ادبی متن و نقش آن‌ها در شکل دادن و صورت بخشیدن به اندیشه‌های صاحب سخن و تأویل و تفسیر متن است.

۳. دلالت و بسامد هم‌آیی حروف «علی» و «فی» با مفاهیم «هدایت» و «ضلالت» در قرآن

1) style

مفاهیم هدایت و ضلالت یکی از بنیادی‌ترین گزاره‌های قرآنی است و بسیاری از آموزه‌ها و معارف قرآنی بر پایه این مفاهیم بنا نهاده شده است. مفهوم هدایت با ریشه لغوی «هدی» ۳۰۳ مرتبه، به صورت فعلی و اسمی در آیات قرآن بسامد دارد که در این میان ۷ مرتبه و به صورت ترکیب «علی هدی» در آیات: ۵ سوره بقره، ۶۷ سوره حج، ۵ سوره لقمان و ۲۴ سوره سبأ ذکر شده است. و نیز به صورت ترکیب «علی الهدی» در آیات: ۳۵ سوره انعام، ۱۷ سوره فصلت و ۱۱ سوره علق، با حرف جر «علی» هم‌نشین شده است.

مفهوم ضلالت نیز که از ریشه لغوی «ضلل» است، در مجموع مشتقات فعلی و اسمی خود، ۱۹۱ مرتبه در آیات قرآن تکرار شده که در این میان در ۳۰ آیه با حرف جر «فی» همراه شده است. ترکیب‌هایی همانند «فی ضلال»، «فی تضلیل»، «فی ضلالک» و «فی الضلالة!». (ر.ک: عبدالباقی، ۱۳۸۴: ماده «هدی» و «ضلل») بی‌شک چنین بسامدی از این مفاهیم و در چنین ساختار و سبکی نشان از اهمیت موضوع دارد که در این پژوهش تلاش شده در حد توان چرایی آن تبیین شود.

حرف «علی» در مفهوم وضعی و حقیقی خود بر «استعلاء» دلالت دارد. «استعلاء» مصدر باب استفعال از ریشه «علو» و به معنای چیره شدن، برتری یافتن و تسلط داشتن است. مثلاً هنگامی که اسب‌بی در یک مسابقه به پیش بتازد و اصطلاحاً از خط پایان بگذرد گفته می‌شود: «استعلی علی الغایه و استولی» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ماده «علو») و یا در آیه ۶۴ سوره طه می‌خوانیم: ﴿...وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى﴾ و منظور کسی است که در پی جایگاهی برتر و رفعت بوده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ماده «علو») همینطور «علا النهار و اعتلی و استعلی» همگی یعنی بالا آمدن روز. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ماده «علو»)

حال دلالت «علی» بر استعلاء گاه حسی و حقیقی است، مانند آیات: ﴿كُلٌّ مِّنْ عَلَيْنَا فِانٍ﴾ (الرحمن ۲۶) و ﴿وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ﴾ (المؤمنون/۲۲)، گاهی نیز استعلاء معنوی و مجازی است. (الصبان، ۱۴۲۵: ۱/۳۳۳؛ الرضی، ۱۴۱۷: ۲/۳۱۸) همانند آیات: ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...﴾ (البقره/۲۵۳) و ﴿...وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...﴾ (آل عمران/۹۷).

اما معنای وضعی و حقیقی فی «ظرفیت» است که همانند معنای استعلاء در علی، گاهی حسی و حقیقی است، خواه ظرف مکانی باشد خواه ظرف زمانی که هر دو نمونه را می‌توان در آیات ﴿فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ﴾ * ﴿فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلِ وَمِنْ بَعْدٍ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (الروم/۳-۴) سراغ گرفت. گاهی نیز دلالت «فی» بر مفهوم

(۱) ترکیب «فی ضلال» در آیات: ۱۶۴ سوره آل عمران، ۷۴ سوره انعام، ۸ و ۳۰ سوره یوسف، ۱۴ سوره رعد، ۳ سوره ابراهیم، ۳۸ سوره مریم، ۵۴ سوره انبیاء، ۹۷ سوره شعراء، ۸۵ سوره قصص، ۱۱ سوره لقمان، ۲۴ سوره سبأ، ۲۴ و ۴۷ سوره یس، ۲۲ سوره زمر، ۲۵ و ۵۰ سوره غافر، ۱۸ سوره شوری، ۴۰ سوره زخرف، ۳۲ سوره احقاف، ۲۷ سوره ق، ۲۴ و ۴۷ سوره قمر، ۲ سوره جمعه، ۹ و ۲۹ سوره ملک وارد شده است. همچنین ترکیب‌های «فی تضلیل» در آیه ۲ سوره فیل، «فی ضلالک» در آیه ۹۵ سوره یوسف و «فی الضلالة» در آیه ۷۵ سوره مریم آمده است. (ر.ک: عبدالباقی، ۱۳۸۴: ماده «ضلل»)

ظرفیت، مجازی است. مانند آیه ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (البقره/۱۷۹). (المبرد، ۱۳۹۹: ۱۳۹/۴؛ ابن یعیش، ۱۴۲۲: ۲۰/۸)^۱

۴. هم‌آیی حروف «علی» و «فی» با مفاهیم «هدایت» و «ضلالت»

چنانچه از مطالعه آیات قرآن کریم و مشاهده و تجربه زندگی این جهانی برمی‌آید، پر واضح است که ما در دنیایی دو قطبی و متضاد زندگی می‌کنیم. جهانی که ایمان در کنار کفر و شرک (البقره/۲۵۶)، نور با تاریکی (البقره/۲۵۷)، خیر و شر (البقره/۲۱۶)، علم و جهل (الزمر/۹)، پیدا و پنهان (النمل/۲۵)، مرگ و زندگی (الملک/۲) و هدایت و ضلالت (سبأ/۲۴)، و... نمود و ظهور دارند و این انسان است که با حق انتخاب و قدرت اراده‌ای که دارد قادر به گزینش و ادامه حرکت در هر یک از دو پارادایم و قطب مثبت یا منفی است و اساساً فلسفه وجودی ادیان و مکاتب معنوی و هدف از ارسال رسل و انزال کتب بیرون ساختن آدمیان از وادی افکار و اعمال منفی و قدم نهادن در فضای اندیشه‌ها و رفتارهای مثبت است: ﴿الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم/۱)

در این میان تعبیر قرآنی در بیان مفاهیم هدایت و ضلالت جلب توجه می‌کند که چگونه همراه مفهوم «هدایت» از حرف «علی» و در کنار مفهوم «ضلالت» از حرف «فی» استفاده شده است! به عنوان نمونه در آیه ۵ سوره مبارکه بقره پس از پاره‌ای از اوصاف متقین می‌خوانیم: ﴿أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾. حال این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که چرا به جای حرف «علی» از سایر حروف استفاده نشده است؟ به عنوان مثال چرا نفرموده «فی هدی»، «عن هدی» یا «إلی هدی»؟! در پاسخ به این پرسش مهم باید بیان نمود که چنانچه گذشت حرف «علی» وضع شده است از برای معنا و مفهوم «استعلاء»، که گاه این استعلاء حسی و حقیقی است و گاه معنوی و مجازی. اما کاربست «علی» همراه مفهوم «هدایت» قطعاً بر استعلاء معنوی و مجازی دلالت دارد. چرا که مفهوم هدایت امری است معنوی، غیر حسی و غیر مادی.

در واقع در تعبیر «أولئك علی هدی» و سایر موارد مشابه، حالت افراد هدایت یافته از سوی پروردگار در برخوردارگی از هدایت و ثبات و استقراری که در فرایند و مسیر هدایت یافته‌اند و تلاشی که در جهت افزایش هدایت و حرکت در مسیر نیکی‌ها و فضای مثبت و پارادایم ایمان دارند به حالت کسی تشبیه شده است که سوار بر مرکبی است و بر آن تسلط داشته و توانایی مهار و راهبری مرکب را داراست. همانگونه که گفته می‌شود: «هو علی الحق»

(۱) - هر یک از حروف «علی» و «فی» مانند سایر حروف جر علاوه بر معانی اصلی و وضعی خود بر تعدادی معانی ثانویه و استعاری نیز دلالت دارند که چون خارج از مسأله این تحقیق است از ذکر آن‌ها اجتناب شده است. (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۶۸: ۱۵۲/۱-۱۵۷ و ۱۸۲/۱-۱۸۳؛ المرادی، ۱۴۱۳: ۴۷۶-۴۷۹ و ۲۵۰-۲۵۳)

یا علی الباطل» (ر.ک: الزمخشری، ۱۴۰۷: ۴۴/۱؛ البیضاوی، ۱۴۱۸: ۴۰/۱؛ الطبرسی، ۱۳۷۷: ۱۵/۱) و چنانچه «ابن عاشور» اشاره کرده است «استعلاء» بر قوی ترین نوع تسلط، کنترل و احاطه بر یک شیء یا موضوعی دلالت دارد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۳۹/۱)

از سوی دیگر در این حالت شخص سوار بر مرکب می‌بایست همواره هوشیار بوده و هوشمندانه مراقب مسیر و خطرات و انحرافات احتمالی باشد. لذا در این تعبیر قرآنی (علی هدی) علاوه بر مدح و تمجید از این افراد، که در مسیر هدایت قرار گرفته و سوار بر مرکب هدایت به پیش می‌روند، (ر.ک: أبو حیان الأندلسی، ۱۴۲۰: ۷۲/۱-۷۳؛ أبو السعود، بی تا: ۳۳/۱) به ایشان به نوعی گوشزد می‌کند که باید همواره در حالتی از مراقبه باشند و چه به لحاظ نظری و ایمان قلبی و چه از نظر عملی و رفتاری به محاسبه خویشتن پرداخته و خود را از آسیب‌ها و وسوسه‌های شیاطین حفظ نمایند. (ر.ک: الفخر الرازی، ۱۴۲۰: ۲۷۹/۲)

در مورد کاربست حرف «فی» همراه مفهوم «ضلال» نیز باید بیان نمود که چنانچه گذشت حرف «فی» از برای معنا و مفهوم «ظرفیت» وضع شده است که گاهی ظرف حقیقی و حسی است، مانند ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (البقره/۲۰۱) و گاهی نیز مجازی و معنوی، مانند ﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ (البقره/۱۵) و ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ﴾ (العصر/۲) و همینطور در کاربرد حرف «فی» همراه مفهوم «ضلال» (فی ضلال) که ظرف مجازی و معنوی را افاده می‌کند.

در این دسته از آیات چنانچه ملاحظه می‌شود، مفاهیمی همچون طغیان، خسران و ضلالت اموری معنوی، عقلی و فرا حسی هستند و یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که قرآن کریم جهت ساده‌سازی و تقریب مفاهیم انتزاعی و ذهنی به فهم و درک انسان بکار بسته، تشبیه آنها به امور مادی و قابل درک و دریافت با حواس ظاهری انسان همچون حس لامسه و بینایی است. این شبیه علاوه بر آنکه فهم چنین اموری را برای انسان ساده‌تر می‌سازد موجب ماندگاری بیشتر آن‌ها در ذهن نیز می‌گردد. در منابع بلاغی نیز به هنگام بحث از انواع تشبیه نوعی تشبیه تحت عنوان تشبیه عقلی به حسی ذکر می‌شود که بیانگر همین موضوع است. (ر.ک: الجرجانی، ۱۹۹۱: ۶۷-۶۹؛ القزوی، ۱۴۳۷: ۱۲۷-۱۲۹)

لذا در بیان مفهوم «ضلال» در قرآن کریم شاهد بکارگیری حرف «فی» همراه این مفهوم هستیم و نه حروف و تعابیری همچون «بضلال»، «عن ضلال»، «من ضلال» یا «إلی ضلال». تعبیر مورد استفاده قرآن (فی ضلال) همانند تعبیر «علی هدی» بیانگر یکی از ویژگی‌های سبک‌شناختی آیات قرآنی است. در این تعبیر همانگونه که اشاره شد «فی» بر معنای ظرفیت دلالت دارد و مفهوم پس از خود را بسان یک ظرف و در نتیجه مدلول پیش را از خود مظروف آن معرفی می‌کند. گویی که در تعبیر «فی ضلال» گمراهی ظرفی است که برخی از افراد در آن قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر حالت کسانی که از مسیر هدایت فاصله می‌گیرند و یا به آن پشت می‌کنند به حالت کسانی که در یک ظرف گرفتار و اسیر گشته‌اند تشبیه شده

است. در واقع دلالت «فی» در تعبیر «فی ضلال» و نظایر آن، به لحاظ مفهومی دقیقاً بیانگر نقطه مقابل دلالت علی در تعبیر «علی هدی» است. در تعبیر «علی هدی» هر چقدر که افراد هدایت یافته بر مرکب هدایت تسلط و اشراف دارند، تعبیر «فی ضلال» بیان می‌کند که افراد گمراه در ظرف و وعاء گمراهی گرفتار و مقهور شده‌اند و این گمراهی است که بر آن‌ها احاطه و اشراف دارد و آنان در این ظرف غوطه‌ور شده و به هر سو کشانده می‌شوند.

جالب توجه اینکه در آیه ۲۴ سوره مبارکه سبأ شاهد به کارگیری حروف «علی» و «فی» همراه مفاهیم هدایت و ضلالت در کنار یکدیگر هستیم. آنجا که آیه به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید که «به مشرکان بگو چه کسی است که از آسمان‌ها و زمین به شما روزی می‌دهد و در ادامه بگو الله» سپس در پارادایم دو گانه ایمان و شرک ادامه می‌دهد: «همانا هر یک از ما و شما بی‌تردید یا بر مسیر هدایت هستیم یا غوطه‌ور در گمراهی»: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾

زمخشری در تفسیر کشاف به این دقت در تعبیر قرآنی واقف شده و با طرح پرسشی، اینگونه به این نکته اشاره می‌کند که «اگر بگویی چگونه است که حروف جرّ وارده بر حق و ضلال با یکدیگر تفاوت دارند؟ می‌گوییم: زیرا که صاحب حق گویی سوار بر اسبی تیزرو و ممتاز شده و آن را هر گونه که می‌خواهد به پیش می‌راند و شخص گمراه بسان کسی است که در تاریکی فرو رفته و در آن گرفتار شده است. به گونه‌ای که نمی‌داند به کدام جهت باید حرکت کند و چگونه خود را از آن ورطه رها سازد.» (الزمخشری، ۱۴۰۷: ۵۸۲/۳)

در کتاب «الطراز» نیز چنین بیان شده که صاحب حق به جهت قدرت و اراده‌ای که دارد با سربلندی و از موضع قدرت و اقتدار بسان سوارکاری است سوار بر اسبی تیزرو که هر گونه بخواهد عمل نموده و به هر سو که اراده کند اسب را می‌راند. به همین خاطر «هدی» با حرف «علی» که بر استعلاء دلالت دارد همراه شده است. بر عکس آن، آنکه به باطل گرویده به خاطر شکست و شدت نگرانی و پریشان حالی‌اش همچون کسی است که در تاریکی غرق شده و در قعر مکانی گرفتار آمده است. نمی‌داند چه کند و به کدام سو باید برود. بدین سبب است که «ضلالت» با «فی» که بر ظرفیت دلالت دارد هم‌نشین شده است. (الحسینی العلوی، ۱۴۲۳: ۳۱/۲)

ابن قیم نیز در این خصوص می‌گوید: با تأمل در این بیان الهی ﴿وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ در می‌یابیم که مسیر حق افرادی را که بر آن پای می‌نهند به سوی بزرگی، رشد، کمال و خداوند متعال می‌برد و مسیر گمراهی پیمایندگان خود را به زیر کشیده و آنان را کوچک ساخته، راهی اسفل السافلین می‌نماید. (ابن قیم الجوزیه، ۱۴۲۳: ۴۰/۱) همچنین وی می‌افزاید که خداوند عزّ و جلّ حق است، راه خدا نیز حق است، دینش نیز حق می‌باشد و هر کس در مسیر الهی استقامت ورزد او نیز بر حق بوده و هدایت یافته است. «علی» از چنین معنایی برخوردار است که در ادوات دیگر وجود ندارد. بر خلاف ضلالت و ریب

که بر فرو رفتن، گرفتار شدن و خدعه و نیرنگ دلالت دارد. همانند آیه ﴿إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ﴾ (التوبه/۴۵) (همان، ۳۹/۱-۴۰).

۵. منبع کنترل افراد هدایت‌یافته و گمراه

بر اساس مسأله تحقیق حاضر و مبتنی بر آیات مذکور، قرآن کریم انسان‌ها را به دو گروه «هدایت‌یافته» و «گمراه» تقسیم می‌نماید. اگر بخواهیم از منظر علوم جدید همچون روانشناسی به این مسأله نگاه کنیم، بایستی موضوع «شخصیت‌شناسی»^۱ را دنبال کنیم. «مطالعه شخصیت»^۲ به منظور بررسی و پیش‌بینی رفتار یا شخصیت افراد، در روانشناسی جایگاه ویژه‌ای دارد. در طول تاریخ بشر نیز شاهد تلاش زیادی در جهت طبقه‌بندی افراد از زوایا و جنبه‌های مختلف می‌باشیم تا ابعادی از خصوصیات رفتاری، اخلاقی و اعتقادی انسان‌ها مشخص شود.

در قرن اخیر، روانشناسان در این زمینه تلاش بسیاری داشته‌اند و برای ارزیابی شخصیت افراد، روش‌های مختلفی را دنبال نموده‌اند. یکی از جنبه‌های شخصیت انسان نوع اسنادهایی است که در هنگام مواجه شدن با رویدادها به کار می‌برد. «نظریه اسناد»^۳ که در «روانشناسی اجتماعی»^۴ مطرح است، بر این پایه استوار است که انسان‌ها، موفقیت‌ها و ناکامی‌های زندگی خویش را یا به عوامل قابل کنترل نسبت می‌دهند یا به عوامل غیر قابل کنترل. دسته اول کسانی هستند که «منبع کنترل درونی»^۵ دارند و دسته دوم افرادی هستند که دارای «منبع کنترل بیرونی»^۶ می‌باشند. (سلیمانی حصار، ۱۳۹۲: ۳۹۵)

آیات بسیاری در قرآن کریم انسان را مسئول اعمال و رفتار و نتایج حاصل از آن می‌داند و این آدمی است که باید در برابر رفتارهای خود پاسخگو باشد: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (الإسراء/۳۳) «از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئولند»، ﴿ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ (التكاثر/۸) «سپس شما در آن روز بی‌شک از بخشش و نعمت (خدا در دنیا) بازخواست خواهید شد»، ﴿يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ (الدخان/۴۱) «روزی که هیچ دوست و یاور از دوست و یاور خود هیچ گونه ضرری را دفع نمی‌کند، و آنان یاری نمی‌شوند»، ﴿مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ (الإسراء/۱۵) «هر که هدایت یافت جز

- 1) Personology
- 2) Personality
- 3) Attribution Theory
- 4) Social Psychology
- 5) Internal Locus of Control
- 6) External Locus of Control

این نیست که به سود خویش هدایت یافته و هر که گمراه شد پس به زیان خویش گمراه شده است، و هیچ گنهکاری حامل گناه دیگری نمی‌شود و ما (هیچ ملتی را پیش از این به عذاب ریشه‌کن در دنیا) عذاب‌کننده نبودیم تا اینکه (نخست) رسولی را (برای بیداری آنان) بفرستیم. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَاحْشُوا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾ (لقمان/۳۳) «ای مردم، از پروردگار خود پروا کنید و از روزی بترسید که هیچ پدری از فرزند خویش چیزی را (از عذاب آن روز) دفع نمی‌کند و هیچ فرزندی دفع‌کننده چیزی از پدر خود نیست. به یقین وعده خدا حق است، پس مبادا زندگی دنیا شما را مغرور کند، و شیطان فریبکار شما را نسبت به خداوند بفریبدا!»

بر اساس تعبیر قرآنی می‌توان گفت کسانی که «بر هدایت‌اند» (علی هدی) افرادی هستند با منبع کنترل درونی و آنان که «در گمراهی‌اند» افرادی هستند دارای منبع کنترل بیرونی. شناخت این موضوع از آن جهت مهم است که «منبع کنترل» یکی از مؤلفه‌های شخصیت آدمی است و از جمله عواملی است که بر کیفیت زندگی تأثیرگذار است. «کیفیت زندگی» همانگونه که ابعاد چند گانه‌ی عملکرد جسمی، روانی و اجتماعی فرد را در بر می‌گیرد، از عوامل مختلفی نیز تأثیر می‌پذیرد که یکی از این عوامل منبع کنترل است.

چنانچه در آیه ۱۵ سوره شوری آمده است مؤمنان مسئولیت اعمال خود را بر عهده می‌گیرند: ﴿...اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ (...خداوند پروردگار ما و شماست، (نتایج) عمل‌های ما از آن ما و عمل‌های شما از آن شماست، دیگر محاجه و استدلالی میان ما و شما (پس از روشن شدن حقایق و ظهور عناد شما) نیست، خداوند میان همه ما (در روز واپسین) جمع خواهد نمود، و بازگشت همه به سوی اوست. «این موضوع در آیه ۲۵ سوره سبأ نیز تأکید شده است: ﴿قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرُمْنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ «بگو: شما از آنچه ما گناه کردیم بازخواست نمی‌شوید، و ما نیز از آنچه شما عمل می‌کنید بازخواست نمی‌شویم.» در آیه ۳۰ سوره شوری نیز شکست‌ها و ناکامی‌های انسان ناشی از عملکرد خود آدمی معرفی شده است: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْضُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ «و آنچه از مصیبت‌ها به شما برسد به خاطر گناهانی است که خود کسب کرده‌اید، و از بسیاری نیز درمی‌گذرد.»

افراد دارای منبع کنترل درونی (علی هدی) چنانچه اشاره شد_ موفقیت‌ها یا عدم موفقیت‌های خود را به شخص خود (کوشش یا توانایی فردی) نسبت می‌دهند و نه عوامل و شرایط بیرونی. این دسته از افراد کنترل جدی بر زندگی خود دارند و طبق آن نیز رفتار می‌کنند. آنان نسبت به سایرین ارزش بیشتری برای مهارت‌ها و پیشرفت‌های خود قائل‌اند. ضمن آنکه اضطراب کمتری دارند و از اعتماد به نفس بالاتری برخوردارند. همچنین آمادگی بیشتری برای پذیرش مسئولیت اعمالشان دارند و در مجموع از سلامت روانی و جسمانی

بیشتری برخوردارند. البته در فرهنگ قرآنی و باور توحیدی خداوند منشأ تمام خوبی‌ها و نیکی‌ها دانسته می‌شود و انسان باورمند موفقیت‌هایی را که در زندگی کسب می‌کند ناشی از توفیق الهی می‌داند: ﴿مَا أَصَابَكُم مِّنْ حَسَنَةٍ مِّنْ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكُم مِّنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكُمْ وَ أَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ (النساء/۷۹) «ای انسان! آنچه از نیکی‌ها به تو رسد از جانب خداست (سبب آن رحمت اوست) و آنچه از بدی‌ها به تو رسد از سوی خود توست (سبب آن گناهان توست) و (ای پیامبر) ما تو را به رسالت برای مردم فرستادیم، و خدا از نظر گواهی (بر رسالت تو) کافی است» و ﴿... وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ﴾ (هود/۸۸) «... و توفیق من جز به یاری خدا نیست بر او توکل کردم و به سوی او بازمی‌گردم.» و آنجا که فرد مؤمن مرتکب اشتباه یا ترک اولی شود باز مسئولیت رفتار خود را پذیرفته و بدان معترف می‌شود: ﴿قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَ إِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (الأعراف/۲۳) «گفتند: پروردگارا، ما به خویش‌تن ستم کردیم، و اگر ما را نیامیزی و بر ما رحم نکنی قطعاً از زیانکاران خواهیم بود.» ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (قصص/۱۶۷) «گفت: پروردگارا البته من (به کشتن قبطی) به خویش‌تن ستم کردم، (زیرا خود را در خطر فرعونیان افکندم) پس مرا ببخش (از عواقب بد آن نگاه دار)، پس خدا او را بخشید، همانا او بخشنده و مهربان است.» و ﴿وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (الأنبياء/۸۷) «و (به یاد آر) ذالنون (صاحب نهنگ، یونس بن مَتَّى) را هنگامی که خشمناک (از میان قوم خود بیرون) رفت، پس گمان کرد که ما هرگز بر او تنگ نخواهیم گرفت، پس (کارش به جایی رسید که) در میان تاریکی‌ها (ی سه‌گانه شب و قعر دریا و شکم نهنگ) ندا درداد که (ای خدا) جز تو معبودی نیست، تو (از هر عیب و نقصی) منزّه و پاکی، حقا که من از ستمکاران بودم (زیرا عملی که نتیجه‌اش نقص بهره من بود بدون توجه به جا آوردم)».

در مقابل افراد دارای منبع کنترل بیرونی (فی ضلال) عوامل خارجی همچون شانس یا دشواری موقعیت و... را عامل موفقیت یا ناکامی خود می‌دانند. اینان دارای شخصیتی وابسته به دیگر مردم، سرنوشت و یا بخت و اقبال هستند. خود را در برابر عوامل و محرک‌های بیرونی ناتوان می‌بینند و در نتیجه در کوشش برای بهبود موقعیت و شرایط زندگی خود فایده و نتیجه‌ای نمی‌بینند. (سلیمانی حصار، ۱۳۹۲: ۳۹۵) در قرآن کریم چنین بیان شده که افراد گمراه با فرافکنی و عدم پذیرش مسئولیت، کورکورانه به پیروی از باورها و رفتارهای نیاکان خود می‌پردازند: ﴿بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَ إِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ﴾ (الزخرف/۲۲) «بلکه آنها گفتند: همانا ما پدرانمان را بر آیینی یافته‌ایم، و حتما ما نیز در اثر پیروی آنها راهیافته‌ایم.» ﴿وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَ لَوْ كَانِ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ﴾ (المائدة/۱۰۴) «و چون به آنها گفته

شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی فرستاده او بیایید، گویند: آنچه که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم (از عقاید و رفتار) ما را بس است! آیا هر چند پدرانمان چیزی نمی‌دانسته و (به راه راستی) هدایت نیافته باشند (باز هم کورکورانه از آنها تقلید می‌کنند؟)»، ﴿وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ (لقمان/۲۱) «و چون به آن‌ها گفته شود از آنچه که خدا فرو فرستاده (کتاب و برنامه دینی) پیروی کنید، گویند: (نه) بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم (عبادت بت‌ها و سنن جاهلیت) پیروی می‌کنیم! آیا (از آنها پیروی می‌کنند) هر چند که شیطان آنها را به سوی عذاب شعله‌ور (دوزخ) دعوت کند؟!» و هرگاه خطا و اشتباهی کنند از پذیرش مسئولیت رفتار خود سرباز می‌زنند: ﴿وَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَ اللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (الأعراف/۲۸) «و چون کار زشتی انجام دهند، گویند: پدرانمان را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده. بگو: مسلماً خداوند به کار زشت فرمان نمی‌دهد. آیا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید؟!» در روز قیامت نیز همچنان دیگران را علت گمراهی خود معرفی می‌کنند: ﴿وَ قَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كِبْرَاءَنَا فَأُضَلُّونَا السَّبِيلَا﴾ (الأحزاب/۶۷) «و گویند: پروردگارا، ما از رؤسا و بزرگان خود اطاعت کردیم، پس آنها ما را از راه (راست) گمراه کردند.» و ﴿وَ مَا أَضَلُّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ﴾ (الشعراء/۹۹) «و ما را جز گنهکاران (عالمان فاسد و حاکمان جور و دوستان منحرف) گمراه نکردند.»

در حالی که کنترل داشتن بر موقعیت‌ها و شرایط زندگی نتایج و آثار سودمند فراوانی دارد و موجب سازگاری روانشناختی بیشتر و بهزیستی جسمی، روانی و اجتماعی فرد می‌گردد. همچنین برخی مطالعات نشان می‌دهد که افراد با منبع کنترل درونی از زندگی مشترک خود احساس رضایت بیشتری دارند. (ر.ک: معتمدی، ۱۳۹۵: ۴۸-۴۹)

۶. افرادی که بر هدایت و کسانی که در ضلالت‌اند

بررسی سیاق آیاتی که در آن‌ها حرف «علی» همراه مفهوم هدایت آمده نشانگر آن است که «مؤمنین» (سبأ/۲۴)، «متقین» (البقره/۲)، «محسنین» (لقمان/۵) و در رأس ایشان «پیامبر اکرم (ص)» (الحج/۶۷) بر هدایت‌اند. اینان کسانی هستند که به غیب ایمان دارند، صلاه می‌گذارند، اهل انفاق‌اند، به کتاب‌های آسمانی که بر پیامبران نازل شده است باور دارند، به آخرت یقین داشته و این افراد در حقیقت اهل رستگاری‌اند. (البقره/۲-۵؛ لقمان/۴-۵)

در مقابل، سیاق آیاتی که در آن‌ها حرف «فی» با مفهوم ضلالت هم‌نشین شده بیانگر آن است که مشرکان (الجمعه/۲؛ یس، ۲۴؛ سبأ/۲۴) و کافران (یس/۴۷) هستند که غرق در گمراهی‌اند. اینان کسانی هستند که دعوت فرستادگان الهی را اجابت نکرده (الشوری/۱۸) و پیامبران و کتاب‌های آسمانی را دروغ می‌انگارند. (الملک/۹) همچنین اینان افرادی هستند

که زندگی دنیوی را بر زندگی اخروی ترجیح می‌دهند، مردم را از مسیر الهی بازمی‌دارند و تلاش می‌کنند مسیر الهی را در نظر دیگران راهی انحرافی جلوه دهند (ابراهیم/۳) از جمله تلاش می‌کنند در مورد روز قیامت تردید افکنی کنند. (الشوری/۱۸) این افراد سنگدل شده و یاد خدا در دل‌هایشان جایی ندارد (الزمر/۲۲) و همنشین و همراه شیطان شده‌اند. (ق/۲۷) خداوند متعال هر دو گروه کافران (مریم/۳۷-۳۸) و مشرکان (لقمان، ۱۱) را ظالم و ستمکار خوانده و وعده می‌دهد که خواسته و اهداف (الرعد/۱۴) و طرح‌ها و نقشه‌های شوم ایشان (غافر/۲۵) در بیراهه است و راه به جایی نخواهد برد و نقش بر آب خواهد شد. چنانچه ملاحظه می‌شود فرجام و عاقبت هر یک از دو گانه ایمان و شرک و کفر، و مؤمنان و مشرکان و کافران به روشنی در آیات مبین و هدایت‌بخش الهی بیان شده است و این آدمی است که از سر اختیار و انتخاب خود پای در هر یک از این دو مسیر می‌گذارد.

نتیجه‌گیری

انسان‌ها بر اساس اراده، اختیار و حق انتخابی که خداوند به آنان داده، هدف و مسیر حرکت و زندگی خود را در حیات دنیوی برگزیده و دنبال می‌کنند. تا به فرموده خدا مشخص شود که هر فرد چه عملکردی خواهد داشت و اصطلاحاً «چند مرده حلاج است»: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ﴾ (الملك/۱-۲)

در بررسی سبک‌شناختی کاربست حرف جرّ «علی» همراه مفهوم هدایت و حرف جرّ «فی» شاهدیم که تعبیر قرآنی با دقت و ظرافت هنرمندانه‌ای که در این سبک ادبی خود داشته، با تشبیه و تمثیل امری معنوی و عقلی (هدایت و ضلالت) به امور مادی و حسی (استعلاء و ظرفیت) و با تصاویری که در اذهان مخاطبان و در برابر دیدگان ایشان قرار می‌دهد (تصویر شخصی سوار بر مرکب و فردی غوطه‌ور در یک فضا و ظرف) بیان می‌دارد که اهل ایمان، پرهیزکاران و نیکوکاران که به غیب باور دارند، صلاّه می‌گذارند، انفاق می‌کنند، به کتاب‌های آسمانی که بر پیامبران نازل شده ایمان و به آخرت باور دارند و نهایتاً اهل رستگاری و نجات می‌باشند، بسان سوارکاران، افسار نفس خود و زندگی دنیوی را به دست گرفته و در مسیر هدایت به سوی مقصد الهی در حرکت‌اند. اینان در زندگی و مسیر حرکت خود بر اوضاع و شرایط مسلط می‌باشند و کنترل امور را به دست دارند. در نهایت راه نیز به سر منزل مقصود رسیده و رستگار و سعادتمند خواهند شد.

در مقابل اهل کفر و شرک، آنان که دعوت انبیاء الهی را نپذیرفته و ایشان را دروغ می‌انگارند و پرداختن به زندگی و امور دنیوی را ترجیح می‌دهند. همچنین تلاش می‌کنند دیگران را نیز از مسیر الهی بازدارند و به گمان خود به تخریب حق و حقیقت می‌پردازند. در حالیکه همنشین و همراه شیطان گشته و یاد خدا در دل‌هایشان جایی ندارد. این افراد در



واقع در فضای گمراهی گرفتار آمده‌اند و در سیاهی‌ها و تاریکی‌ها غرق شده‌اند. اینان در طول زندگی اسیر و مغلوب شرایط و عوامل بیرونی شده و عنان زندگی را از کف داده‌اند و به بازیچه‌ای در دست شیطان مبدل گشته‌اند. هر چند که به وعده الهی اهداف و طرح‌های شوم این افراد در انحراف دیگران از مسیر الهی و سلطه بر مردم و جهان، در نهایت راه به جایی نبرده و نقش بر آب خواهد شد.

در بررسی تطبیقی افرادی که به تعبیر قرآنی «بر هدایت‌اند» (علی هدی) و افرادی که «در گمراهی‌اند» (فی ضلال) با مطالعات روانشناختی معاصر درمی‌یابیم که افراد هدایت‌یافته از «منع کنترل درونی» برخوردارند. اینان در قبال باورها و رفتارهای خود در زندگی مسئولیت پذیرند. بر عکس افراد گمراه که دارای «منع کنترل بیرونی» هستند، عوامل بیرونی را در گمراهی و ناکامی خود دخیل می‌دانند و تمایل کمتری به مسئولیت‌پذیری دارند.

آنچه در این مقاله بیان شد تنها نمونه و گوشه‌ای بود از آموزه‌ها، هدایت‌ها و راهبری‌های قرآن کریم که از گذر مطالعه سبک‌شناختی کاربست حروف «علی» و «فی» با مفاهیم «هدایت» و «ضلالت» حاصل شد. قطعاً با چنین نگاه و رویکردی می‌توان به اعماق و ابعاد بیشتری از معارف الهی دست یافت که البته نیازمند پژوهش‌های بیشتر و پردامنه‌تری است.

سال ششم
شماره اول
پیاپی: ۱۰
بهار و تابستان
۱۴۰۱

کتابنامه

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، الشریف الرضی (۱۴۳۱ق)، شرح و تعلیق صبحی صالح، قم: انتشارات انوار الهدی، چاپ چهارم.
- ابن فارس، أحمد (۲۰۰۱م): «معجم مقاییس اللغة»، تصحیح محمد عوض مرعب و فاطمه محمد أصلان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الأولى.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق): «لسان العرب»، بیروت: دار صادر، الطبعة الثالثة.
- ابن هشام، جمال الدین (۱۳۶۸ق): «مغنی اللیب عن کتب الأعراب»، تحقیق مازن المبارک و حمد علی حمدالله، دمشق: دار الفكر.
- ابن عیث، عیث بن علی (۱۴۲۲ق): «شرح المفصل»، تقدیم امیل بدیع یعقوب، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ق): «التحریر و التنویر (تفسیر ابن عاشور)»، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، الطبعة الأولى.
- ابن قیم الجوزیه، أحمد بن عبدالحلیم (۱۴۲۳ق): «مدارج السالکین بین منازل إياک نعبد و إياک نستعین»، تحقیق محمد المعتصم بالله البغدادی، بیروت: دار الکتب العربی، الطبعة الأولى.
- أبو حیان الأندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق): «البحر المحیط فی التفسیر»، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت: دار الفكر.
- أبو السعود، محمد بن محمد (د.ت): «إرشاد العقل السلیم إلى مزیای الکتب الکریم»، تعلیق محمد صبحی حسن حلاق، بیروت: دار الفكر.
- بهار، محمد تقی (۱۳۵۶ش): «سبک شناسی»، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم.
- البیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق): «أنوار التنزیل و أسرار التأویل»، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الأولى.
- الجرجانی، عبدالقاهر (۱۹۹۱م): «أسرار البلاغة»، تعلیق محمود محمد شاکر، جدة: دار المدنی، الطبعة الأولى.
- الحسینی العلوی، یحیی بن حمزة (۱۴۲۳ق): «الطراز لأسرار البلاغة و علوم حقائق الإعجاز»، بیروت: المكتبة العنصریة، الطبعة الأولى.
- الراغب الأصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق): «مفردات ألفاظ القرآن»، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق-بیروت: دار الشامیة_دار العلم، الطبعة الأولى.
- الرضی، محمد بن الحسن (۱۴۱۷ق): «شرح الرضی لکافیة ابن الحاجب»، تحقیق حسن بن محمد بن إبراهیم الحفظی و یحیی بشیر مصطفی، المملكة العربیة السعودیة: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامیة، الطبعة الأولى.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳ش): «شعر بی دروغ شعر بی نقاب»، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، چاپ چهارم.
- الزمخشری، محمد بن عمر (۱۴۰۷ق): «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، تصحیح محمد عبدالسلام شاهین، بیروت: دار الکتب العربی، الطبعة الثالثة.
- سلیمانی حصار، محبوبه و حمیدرضا آقامحمدیان شعریان (۱۳۹۲ش): «رابطه بین منبع کنترل و خودپنداره با تنش ادراک شده بر مادران کودکان در خودمانده»، فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال پانزدهم، شماره ۵۷، صص ۳۹۶-۴۰۵.
- شمیسا، سیروش (۱۳۸۶ش): «کلیات سبک‌شناسی»، تهران: میترا.
- الصبان، محمد بن علی (۱۴۱۷ق): «حاشیة الصبان علی شرح الأشمونی علی ألفیة ابن مالک»، تحقیق عبدالحمید هنداوی، بیروت: المكتبة العنصریة، الطبعة الأولى.
- الطبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش): «تفسیر جوامع الجامع»، تصحیح و تعلیق ابوالقاسم گرجی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول.



- عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۸۴ش): «المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم»، قم: نرید اسلام، چاپ چهارم.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱ش): «سبک‌شناسی نظرها، رویکردها و روش‌ها»، تهران: انتشارات سخن.
- الفخر الرازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق): «التفسیر الکریر (مفاتیح الغیب)»، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
- الفراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۱۰ق): «کتاب العین»، تحقیق مهدی المخزومی و إبراهيم السامرائی، قم: مؤسسه دار الهجرة، الطبعة الثانية.
- القزوينی، محمد بن عبدالرحمن (۱۴۳۷ق): «تلخیص المفتاح»، شرح ابن داود عبدالواحد الحنفی العطاری، کراتشی: مکتبه المدینة للطباعة و النشر و التوزیع، الطبعة الأولى.
- المبرد، محمد بن یزید (۱۳۹۹ق): «المقتضب»، تحقیق محمد عبدالخالق عظیمه، القاهرة: لجنة إحياء التراث الإسلامي، الطبعة الثانية.
- المرادی، الحسن بن قاسم (۱۴۱۳ق): «الجني الداني في حروف المعاني»، تحقیق فخرالدين قباؤه و محمد نديم فاضل، بیروت: دارالکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
- معتمدی، عبدالله و همکاران (۱۳۹۵ش): «نقش منبع کنترل، معنای زندگی و روابط زناشویی در پیش‌بینی کیفیت زندگی بازنشستگان»، فصلنامه پرستاری سالمندان، دوره سوم، شماره ۲، صص ۴۶-۶۲.

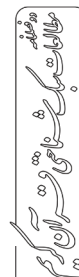
سال ششم
شماره اول
پیاپی: ۱۰
بهار و تابستان
۱۴۰۱

Bibliography

The Holy Quran

- nahjol balagah, alsharif radhi (1431 A.H), Explanation and suspension of Subhi Saleh, qom: Anwar Al-Huda Publications.
- Ibn Faris, Ahmad (2001) "moujam almaghayis allogah", edited by Muhammad Awad Mar'ab and Fatima Muhammad Aslan, Beirut: Dar Al-Ihyaal Al-Torath Al-Arabi.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mokrem (1414 A.H) "lesan alarab", Beirut: Dar Sader.
- Ibn Hisham, Jamal al-Din (1368 S.H): "Mughni al-Labib an kotob alaarib", research by Mazen al-Mubarak and Hamd Ali Hamdallah, Damascus: Dar al-Fikr.
- Ibn Qutaybah, Abdullah Ibn Muslim (d.t.): "Gharib Al-Quran", commentary by Ibrahim Muhammad Ramadan, Beirut: Dar and Maktab al-Hilal.
- Ibn Ya'ish, Ya'ish ibn Ali (1422 A.H): "Sharh al-Mufsal", presented by Imad Badi 'Ya'qub, Beirut: Dar al-Kitab al-Alelmiya.
- Ibn Ashour, Muhammad ibn Tahir (1420 A.H): "altahrir va hatanvir (Tafsir Ibn Ashour)", Beirut: Arab History Foundation.
- Ibn al-Qayyim al-Jawziyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim (1423 A.H): "madarej al-salekin bayna manazel Iyak Nabd va Iyak Našta'in", research by Muhammad al-Mu'tasim bellah al-Baghdadi, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Abu hyyan al-Andalusi, Muhammad ibn Yusuf (1420 A.H): "albahr almouhit fi al-tafsir", research by Sadqi Muhammad Jamil, Beirut: Dar al-Fikr.
- Abu al-Saud, Muhammad ibn Muhammad (d.t.): "ershad alaql alsalim ila mazaya al-kitab alkarim", commentary by Muhammad Sobhi Hasan Hallaq, Beirut: Dar al-Fikr.
- Al-Arbali, Aladdin (1991): "The jewel of literature in the knowledge of the words of the Arabs", Beirut: Dar Al-Nafaies.
- Al-Azhari, Khalid bin Abdullah (1421 A.H): "sharh altasrih ala altoudhih", research by Muhammad Basel oyoun Al-Soud, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Almiya.
- Al-Alusi, Sayyid Mahmoud (1415 A.H): "rouh almaani fi tafsir alqoran alazim", research by Abdul Bari Atiyah, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Almiya.
- Bahar, Mohammad Taghi (1977): "Stylistics", Tehran: Amirkabir Publications.
- Al-Baydhawi, Abdullah bin Umar (1418 AH): "anvar altanzil va asrar altaavil", research by Muhammad Abdul Rahman Al-Marashli, Beirut: Dar Al-Ihyaal Al-Torath Al-Arabi.
- Al-Jorjani, Abdul Qahir (1991): "Secrets of Rhetoric", commentary by Mahmoud Mohammad Shakir, Jeddah: Dar al-Madani.
- Al-Husseini Al-Alawi, Yahya bin Hamza (1423 A.H): "The Balance of the Mysteries of Rhetoric and the Science of Miraculous Truths", Beirut: Al-Muktab Al-Ansriya.
- Al-Darwish, Mohi al-Din (1415 A.H): "The erabs of the Qur'an and the Statement", Syria: Dar al-Irshad.
- Al-Ragheb Al-Isfahani, Hussein Ibn Muhammad (1412 A.H): "Vocabulary of the words of the Qur'an", research of Safwan Adnan Davoodi, Damascus - Beirut: Dar Al-Shamiya - Dar Al-elm.
- Al-Radhi, Muhammad ibn al-Hasan (1417 A.H): "Sharh al-Radi for the kafiyaah Ibn al-

- Hajib", research by Hasan ibn Muhammad ibn Ibrahim al-Hafzi and Yahya Bashir Mustafa, Saudi Arabian kingdom: Imam Muhammad ibn Saud al-Islamiyah University.
- Al-Zajaji, Abdul Rahman Ibn Ishaq (1404 A.H): "Al-Jomal Fi Al-Nahw", research on Tawfiq Al-Hamd, Beirut - erbad: Al-Risala Foundation - Dar Al-Amal.
 - Zarrinkoob, Abdolhossein (1984): "Poetry without lies Poetry without a mask", Tehran: Javidan Publishing Organization.
 - Al-Zamakhshari, Muhammad ibn Umar (1407 A.H): "alkashaaf", edited by Muhammad Abdul Salam Shahin, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
 - Soleimani Hesar, Mahboubeh and Hamidreza Aghamohammadian Sherbaf (2013): "The relationship between the source of control and self-concept with perceived stress on mothers of children in autism", Journal of Principles of Mental Health, Year 15, No. 57, PP. 396-405.
 - Al-Suyuti, Jalal al-Din (1418 A.H): "hame alhawame fi sharh jame aljawame", research by Ahmad Shams al-Din, Beirut: Dar Al-Kotob -Alemiya.
 - Al-Sabban, Muhammad ibn Ali (1417 A.H): "The footnote of Al-Sabban on the explanation of Ashmouni on the authority of Ibn Malik", research by Abdul Hamid Hindawi, Beirut: Al-Maktabah Al-Asriyya.
 - Al-Tabarsi, Fadhl Ibn Hasan (1993): "majma albayan fi tafsir alquran", Introduction by Mohammad Javad Balaghi, Tehran: Naser Khosrow Publications.
 - (1998) "tafsie jawame aljame", edited and suspended by Abolghasem Gorji, Tehran: University of Tehran Press and Qom Seminary Management.
 - Abdul Baqi, Mohammad Fouad (1384 SH): "The Dictionary for the Words of the Holy Quran", Qom: Navid Islam.
 - Al-Fakhr al-Razi, Muhammad ibn Umar (1420 A.H): "Al-Tafsir al-Kabir (the keys of the unseen)", Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Torath Al-Arabi.
 - Al-Farahidi, Khalil Ibn Ahmad (1410 A.H): "Kitab Al-Ain", research by Mahdi Al-Makhzoumi and Ibrahim Al-Samerraei, Qom: Dar Al-Hijra Foundation.
 - Al-Qazwini, Muhammad ibn Abd al-Rahman (1437 A.H): "talkhia almeftah", Sharh Ibn Daud Abdul Wahed Al-Hanafi Al-Attari, Karatashi: Madinah School for Printing, Publishing and Distribution.
 - Catano, James v. (2005): "Stylistics", translated by Farzin Ghobadi, Farhangistan letter, seventh year, number 4, pp. 112-121.
 - Al-Maleqi, Ahmad Ibn Abd al-Nur (1423 A.H): "List of the basics in the explanation of the letters of the meanings", research by Ahmad Al-Kharrat, Damascus: Dar Al-Qalam.
 - Al-Mubrrad, Muhammad ibn Yazid (1399 S.H): "Al-Muqtadhab", research by Muhammad Abdul Khaliq ozaimah, Cairo: the revival of Islamic heritage.
 - Al-Muradi, Al-Hssan Ibn Qasim (1413 A.H): "Al-Jena Al-Dani in the letters of meanings", research by Fakhruddin Qabawah and Muhammad Nadim Fadhil, Beirut: Dar Al-Kotob Al-Alelmiya.
 - Motamedi, Abdullah et al. (2016): "The role of the source of control, meaning of life and marital relationships in predicting the quality of life of retirees", Journal of Elderly Nursing, Volume 3, Number 2, pp. 46-62



سال ششم
شماره اول
پیاپی: ۱۰
بهار و تابستان
۱۴۰۱